

مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در باره جنگ ایران و عراق چه بود؟

محمدجواد اکبرپور بازرگانی

پژوهشگر تاریخ جنگ



قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، برخلاف قطعنامه‌های قبلی، برای اولین بار با نام «منازه بین ایران و عراق» صادر شده، حالت امریت‌ان غالب است ومفصل ترین قطعنامه درباره جنگ ایران و عراق است.

در مقدمه قطعنامه از ادامه تلافات شدید انسانی وتخریب مادی ابراز نگرانی، از آغاز و ادامه منازعه ابراز تأسف، از بمباران مراکز مسکونی، حمله به کشتی ها و هواپیماها، نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه وقوانین درگیری و کاربرد سلاح های شیمیایی ابراز تأسف، از احتمال تشدید و گسترش منازعه ابراز نگرانی شده وتصمیم شورا رامبنی بر خاتمه دادن به همه اقدامات نظامی بین ایران وعراق اعلام کرده است.

در این قطعنامه، شورا با حکم به اینکه در این منازعه «نقض صلح» حادث شده، بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، آتش بس فوری و بازگشت نیروها به مرزهای بین المللی، آزادی اسیران جنگی، همکاری دو طرف با دبیرکل در تلاش های میانجیگرانه، درخواست از همه کشورها برای احتراز از هر اقدامی که به تشدید منازعه منجر شود، درخواست از دبیرکل برای گماردن هیئتی به منظور تحقیق درباره مسئولیت منازعه وهمچنین هیئتی برای مطالعه موضوع بازسازی را خواستار شده است. بدین ترتیب پس از گذشت حدود هفت سال از جنگ ایران وعراق، شورای امنیت سازمان ملل در هشتمین قطعنامه خود، برای اولین بار آغاز جنگ ونقض قواعد و اصول حقوق جنگ را سرزنش کرده و خواستار تشکیل هیئتی بی طرف برای شناسایی مسئولیت جنگ شده است.

● متن اصلی قطعنامه ۵۹۸

باتأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲ با ابراز نگرانی از اینکه به رغم درخواست ها برای آتش بس، مخاصمه بین ایران و عراق به شدت سابق و با تلافات انسانی و تخریب مادی بیشتر ادامه دارد. با تأسف نسبت به آغاز و ادامه این مخاصمه، همچنین با تأسف نسبت به بمباران مراکز کاملاً مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتی های بی طرف وهواپیماهای غیرنظامی، تخطی از قوانین بشردوستانه بین المللی و سایر قوانین مخاصمات مسلحانه و به ویژه استفاده از سلاح شیمیایی برخلاف تعهدات ناشی از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با نگرانی عمیق از اینکه احتمال تصاعد و گسترش بیشتر جنگ وجود دارد، با عزم راسخ نسبت به پایان دادن به همه عملیات نظامی بین ایران و عراق، با اعتقاد به اینکه حل وفصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه وبادوام در مخاصمه بین ایران وعراق باید حاصل شود، با یادآوری مقررات منشور سازمان ملل متحد، به ویژه تعهد کلیه اعضا نسبت به حل وفصل اختلافات بین المللی به طرق صلح آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت را به خطر نیندازد، با احتراز از اینکه در مخاصمه بین ایران وعراق، نقض صلح حاصل شده است، با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد،

۱- از ایران وعراق می خواهد که به عنوان اولین قدم به سوی حل وفصل از طریق مذاکره، آتش بس فوری را رعایت کنند، تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا وهوا متوقف سازند و همه نیروها را بی درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- از دبیرکل درخواست می شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحدرابرای تأیید، تحکیم ونظارت بر آتش بس وعقب نشینی به مرزها اعزام دارد و به علاوه از دبیرکل درخواست می شود که ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام داده و گزارش آن را تسلیم شورای امنیت کند. ۳- شورا مصرا نه می خواهد که اسرای جنگی پس از توقف مخاصمات فعال، بر اساس کنواسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ بی درنگ آزاد وعودت داده شوند.

۴- از ایران وعراق دعوت می شود که بادبیرکل در خصوص اجرای این قطعنامه و در کوشش های میانجیگرانه برای کسب یک حل وفصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه ومورد قبول در مورد موضوعات مهم، بر اساس اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری کنند.

۵- از همه دولت های دیگر دعوت می شود که حداکثر خویشتن داری را به عمل آورده و از هر اقدامی که ممکن است منجر به تصاعد و گسترش بیشتر مخاصمه شود احتراز جویند و بدین گونه اجرای قطعنامه حاضرا تسهیل کنند.

۶- از دبیرکل درخواست می شود که ضمن مشورت با ایران وعراق، مسئله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه را به هیئتی بی طرف، بررسی کرده و در حداقل مدت ممکن به شورا گزارش دهد.

۷- با شناسایی عظمت خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش جهت نوسازی، به محض پایان مخاصمه با استفاده از کمک های مناسب بین المللی، از دبیرکل درخواست می شود که گروهی از کارشناسان را برای مطالعه در باب مسئله نوسازی تعیین کرده و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸- به علاوه از دبیرکل درخواست می شود که با مشورت با ایران وعراق و سایر کشورهای منطقه، تدابیر افزایش امنیت وثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹- از دبیرکل درخواست می شود که شورای امنیت را به طور مداوم در جریان اجرای این قطعنامه قرار دهد.

۱۰- شورای امنیت تصمیم دارد که برای در نظر گرفتن اقدامات بیشتر وتضمین اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلساتی تشکیل دهد. [۱]

[۱] برگرفته از کتاب جنگ ایران و عراق، پرسش ها و پاسخ ها، فرهاد درویشی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

شکر



۳ شنبه
۲۲ خرداد ۱۴۰۱
۴۲۴۸ شماره

۱۴

۳۳۳۳

جستارهای مرتبط

یادی از ابراهیم امیرعباسی

فرمانده شهید محور اطلاعات و عملیات لشکر ویژه شهدا

اول جبهه، بعد خانواده

زهرابیات ایبست ودوم شهر یور ۱۳۴۱ در خانواده عباسی، پسری به دنیا آمد به نام ابراهیم. چهار ساله بود که گرد یتیمی بر چهره اش نشست، به همین دلیل پس از اتمام کلاس اول ابتدایی، تعطیلات تابستان را در مغازه خوار بار فروشی دایی اش مشغول به کار شد. با ورود به دبیر ستان، کار را در کنار درس خواندن همچنان ادامه داد. ابتدا وارد حرفه بنایی شد و مدتی بعد به سیم کشی روی آورد و در هر دو مورد هم مهارت خوبی کسب کرد. با شروع امواج انقلاب اسلامی، او نیز بی پروا وشجاعانه در تظاهرات وفعالیت های انقلابی شرکت کرد و حتی پس از مدتی، مادر و خواهر خود را نیز که ابتدا مخالف فعالیت هایش بودند، به صحنه راهپیمایی ها آورد. مدتی برای حفاظت به بیت امام و جماران رفت و پس از آن عازم جبهه شد. در روزهای آغازین جنگ وقتی استعداد دیده بانی اواز سوی (شهید) حسن باقری وسیدعلی حسینی کشف

اورفت، فرزندش آمد

ابراهیم برای وضع حمل همسرش ۲۰روز مرخصی گرفته و به مشهد آمده بود. روزی به خانه آمد و گفت: کاوه رنگ زده اگر آب دست هست، زمین بگذار و سریع خودت را به منطقه برسان. به من گفت: مادر چه کنم؟ گفتم: مادر، صاحب اختیاری. از خانتت بپرس. هیچ کدامان نه نگفتم. یک دست را پشت

دنیا را برای هدفی والاتر می خواست

قبل از اینکه با ابراهیم ازدواج کنم، اسمم مهناز بود. بعد از ازدواج تصمیم گرفتیم که اسمم را عوض کنم، چون نام او ابراهیم بود، من نام هاجر را انتخاب کردم. به سادّه زیستن معتقد بودم و ملاک زندگی مشترک ما نیز بر پایه ارزش هایی استوار بود که بالاتر از مسائل مادی ودنیوی است. دنیا را جز وسیله ای برای رسیدن

به جای همه اهل محل تکبیر می گفت

در روزهایی که انقلاب اوج گرفته بود، مردم شب ها تکبیر می گفتند. منزل ما مقابل پادگان لشکر ۷۷ و همسایه روبرو روی ما ساواکی بود، به همین دلیل در آن محدوده کمتر کسی جرئت می کرد که شب ها بالای بام برود و ... اکبر بگوید. اما ابراهیم نه تنها بالای پشت بام می رفت،

با ذکر یامهدی (عج) پر کشید

کومله و دموکرات و منافقین به کمک عراق در یکی از نقطه های مرزی به داخل خاک ما نفوذ کرده بودند. ابراهیم به محض اینکه از این موضوع مطلع شد، با اینکه تنها مرد خانواده بود، شبانه خود را به منطقه رساند. همان شب با گروهی ده نفره از نیروهای اطلاعات عملیات ویژه شهدا برای شناسایی عازم منطقه شدیم. بعد از مدتی راهپیمایی در عمق پایگاه دشمن، در یکی از ارتفاعات با دشمن درگیر شدیم. یکی از

کلاه نو ابراهیم!

زمستان بی رحمانه سوز سرمای خود را به سر و صورت ابراهیم کوبانده بود. گوش هایش سرخ و گونه هایش نیلی شده بود. دستانش را روی علاءالدین نفتی گرفت. مادر با نگرانی از آشپزخانه نیم نگاهی به ابراهیم کرد و گفت: ابراهیم، سرما آذیت نمی کنه؟! او همان طور که دستانش را به هم می مالاند، گفت: نه مادر، هوا خیلی هم سرد نیست! مادر که به حیاط رفته بود تا پیت نفتی را بیاورد، پیش خود گفت «هوا که خیلی سرده، ولی ابراهیم نمی خواهد ما را تنوی خرج ببندازد.»

مادر، مادر بود دیگر و دلش نیامد، همان روز رفت و یک کلاه برای

شد. او را برای گذراندن دوره های نقشه خوانی و دیده بانی به اصفهان فرستادند.

در این دوره، رتبه ممتاز را کسب کرد و با سمت مسئول گروه دیده بان های خراسان به جبهه برگشت. در آموزش نقشه خوانی با خلاقیت فراوان، نیروهای زبده و کارکشته ای را تربیت و به لشکرها و تیپ ها مأمور کرد. ابراهیم امیرعباسی کسی بود که اولین طرح آموزش دیده بانی را بعد از عملیات ... اکبر مکتوب کرد، جسارت و جرئت او در شناسایی این عملیات در دشت آزادگان، پیروزی برق آسایی برای نیروهای ایرانی رقم زد. او همچنین در برگزاری دوره آموزش ادوات در سپاه خراسان نقش تعیین کننده ای داشت. ابراهیم یک نظامی همه فن حریف بود که اول تیر ۱۳۶۲، چند روز مانده به تولد تنها فرزندش، در ارتفاعات دوپازای سردشت به شهادت رسید.

 		
 	گردن من ودست دیگرش را پشت گردن خانشم انداخت و حدود یک ساعت ما را در محوطه حیاط می گرداند و حرف می زد. بعد خدا حافظی کرد و رفت. دقیقاً ۲۴ ساعت قبل از شهادتش دخترش به دنیا آمد.	
 	فاطمه زار عین، مادر شهید	

 		
 	به هدفی بسیار با ارزش و والایمی دانست. اگر چه ما زندگی ساده ای داشتیم، خود را بسیار خوشبخت احساس می کردیم. بزرگ ترین آرزوهایش، شهادت در راه خدا بود و دیدن فرزندش که به اولی رسید و به دومی، نه.	
 	هاجر (مهناز) منتظمی، همسر شهید	

 		
 	به باصدای بلند هم تکبیر می گفت، به نحوی که بدن آدم می لرزد. حتی می گفت: شما فقط روی نردبان بایست و به من آب ولرم بده تا من به جای همه اهالی محل، ... اکبر بگویم.	
 	معصومه امیرعباسی، خواهر شهید	

 		
 	گلوله های آرپی جی دشمن در جایی که ابراهیم ایستاده بود، منفجر شد؛ تعدادی ترکش به پهلوی ابراهیم اصابت کرده بود. او با فریادهای یامهدی (عج)، یامهدی (عج) زنده بودن خود را اعلام کرد. بعد از چند دقیقه، فریادی از ابراهیم به گوش نرسید. هنگامی که بر بالینش رسیدیم، او جان به جان آفرین تسلیم کرده بود.	
 	جواد حامد، هم رزم شهید	

 		
 	ابراهیم خرید، صبح فردا، ابراهیم کلاه جدیدش را بر سرش کشید و به مدرسه رفت. ظهر که برگشت، بدون کلاه بود! گونه هایش نیلی، گوش ها سرخ و دست ها از سرما خشک و کرخت. کنار چراغ نفتی خود را گرم می کرد. مادر متعجب پرسید: ابراهیم کلاهت کو؟ ابراهیم سر به زیر انداخت و دماغ فرمز شده خود را بالا کشید. گفت: اگر بگم، دعوانمی کنی؟	
 	بعد تعریف کرد: یکی از بچه های مدرسه مان با دمپایی می آد، امروز سرما خورده بود، دیدم کلاه برای اون واجب تره.	
 	مادر سر به زیر انداخت ولیخندی زد و با چشمان تر به داخل آشپزخانه خزید و آهسته گفت: خدا یا شکر ت، الحمد لله رب العالمین.	
 	برداشتی از کتاب ساکنان ملک اعظم، ص ۵	



 		
 	خدایا! ما را از زمین بگیر	
 	در قسمتی از وصیت نامه شهید چنین می خوانیم: زندگی کردن برای خدا و حرکت در راهش به انسان مسئولیت می دهد و انسان را ادا می کند که از زندگی دنیا کنده شود و روح های مادی را کنار بگذارد و در راهش غرق شود و حرکت او یک حرکت نشاطی است. با شوق و با خواست قلبی حرکت می کند، تا اینکه اگر خدا قبول کند و عاشق او بشود، او را از زمین بگیرد. لازمه اینکه انسان برای خدا و زندگی و تمام حرکات و جوارح او برای خدا زنده باشد، این است که شیطان را از خود دور کند و تقوا داشته باشد.	

 		
 	ماندن یا برگشتن؛ مسئله این است	
 	خبر دادند یکی از اعضای خانواده ابراهیم امیرعباسی مریض است و خانواده با مشکل روبه ر هستند. خواستند به او بگویم هر چه سریع تر خودش را به مشهد برساند. یکی دوساعتی با هم صحبت کردیم اما موفق نشدیم او را قانع کنیم که به مشهد برگردد. ابراهیم پاسداری از ارزش ها و نیز داشتن مسئولیت در جبهه را به برگشتن به پشت جبهه ترجیح داد. می گفت: ما اول باید مسئولیتی را که بر عهده داریم به نحو احسن انجام دهیم. الان باید تمام هم وعظمان، جبهه و منطقه عملیاتی باشد. سپس خانواده و دیگران.	
 	آن زمان اکثر داوطلبان به جبهه های جنوب می رفتند و کردستان احتیاج مبرمی به نیروهای آموزش دیده و رسمی سپاه داشت اما دستان خیلی کم به آنجا می رفتند. در کردستان، هم حساسیت و ظرافت کار بیشتر بود هم خطر. ابراهیم هم چون این نیاز را در کم می کرد در منطقه ماند و به پشت جبهه نرفت.	
 	محمد رجب پور، هم رزم شهید	

 		
 	آموزش قبل از جنگ	
 	من خدمت سربازی را در لشکر ۷۷ خراسان می گذراندم. در مدت خدمتم، ابراهیم از من می خواست که جزوه های آموزشی نظامی را برایش ببرم تا مطالعه کند. من نیز جزوه های مربوط به اسلحه های کلاش، ژ ۳، تیربار ۱۲ و تفنگ ۵۷ و انواع مین ومواد منفجره را برایش می بردم. ابراهیم با علاقه خاصی، این جزوه ها را مطالعه می کرد و نکات زیادی از آن ها آموخت، نکاتی که بعد ها در زمان جنگ، او را از بقیه متمایز می کرد.	
 	عباسعلی فرهنگند، دوست شهید	

زندگی در شرایط سخت

در اوایل جنگ در نقشه خوانی اطلاعاتی نداشتیم و از کار با نقشه سردر نمی آوریم. ابراهیم امیرعباسی اولین نفری بود که در پادگان امام رضا(ع) این کار تخصصی را شروع کرد و به تعدادی از نیروها این مبحث را آموزش داد.

با توجه به مهارتی که ابراهیم امیرعباسی در کار نقشه خوانی داشت، تصمیم بر آن شد که با حضور او برای برادران اطلاعات و عملیات یک دوره آموزشی یازده روزه در نیشابور برگزار شود. ابراهیم در این دوره پیشنهاد کرد که نیروها را در نیشابور رها کنیم تا از میان کوه به مشهد بروند. به برادران اعلام شد که هر چه پول دارند تحویل دهند. به هر گروه شش نفری یک قطب نما، دو قبضه اسلحه کلاش و سه عدد سرنیزه داد. دو قرص نان هم برای هر نفر. گفت: بروید به سلامت. این حرکت و بر خورد برای ماستگین بود. برادرها هم مرتب تی می زدند. گفت: فلانی! اگر این ها پول داشته باشند، می روند و از روستاها برای خود غذا تهیه می کنند و اصلاً نمی فهمند که چطور خودشان را با علف های بیابان سیر کنند. نیروهایی که می خواهند بروند و به عنوان اطلاعات عملیات کار کنند، باید علاوه بر نقشه خوانی، بازنگی در شرایط سخت هم آشنا شوند و این در صورتی امکان پذیر خواهد بود که بتوانند تحمل ناملایمات را داشته باشند.

 		
 	سید هاشم موسوی، هم رزم شهید	

 		
 	شهید جلال بهودی	
 	تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱۲/۱۲	
 	محل تولد: مشهد	
 	محل شهادت: هگم مرزی رانل	
 	تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۳/۳۰	
 	مزار: بهشت رضا(ع)	

 		
 	شهید هاشم جباریان	
 	تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۹/۲	
 	محل تولد: مشهد	
 	تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۳/۲۵	
 	محل شهادت: مهران	
 	مزار: نقشصن	

 		
 	۳۱ خرداد ۱۳۶۶	
 	نام عملیات: نصر ۴ یا امام جعفر صادق (ع)	
 	منطقه عملیات: ماووت	
 	یگان های شرکت کننده: هوانیروز ارتش و سپاه	
 	نتیجه عملیات:	
 	۵ کیلومتر مربع در این عملیات آزاد شد؛ از جمله شهر ماووت و چند ارتفاع مهم. همچنین عراق ۶ هزار کشته وزخمی و ۵۵۷ نفر اسیر داد.	

 		
 	۳۱ خرداد ۱۳۶۰	
 	نام عملیات: ولایت فقیه	
 	منطقه عملیات: جاده ماهشهر آبادان	
 	یگان های شرکت کننده: ارتش و سپاه	
 	نتیجه عملیات:	
 	در این عملیات ضمن تصرف اهداف تعیین شده، به دشمن ۳۰۰ کشته وزخمی تحمیل شد. همچنین ۱۰۲ لودر غنیمت گرفته و ۳۸ دستگاه خودرود دشمن منهدم شد.	

 		
 	۲۷ خرداد ۱۳۶۶	
 	نام عملیات: نصر ۳ یا علی بن ابی طالب (ع)	
 	منطقه عملیات: زیبیدات شهر عنبر	
 	یگان های شرکت کننده: ارتش	
 	نتیجه عملیات:	
 	در این عملیات، دشمن ۱۰۰ کشته وزخمی و ۶۸ اسیر داد. همچنین ده هادستگاه تانک و نفربر عراقی ها ی منهدم شد یا به غنیمت نیروهای ایرانی درآمد. ارتش در میمک نیز عملیاتی با همین نام انجام داد.	

 		
 	۲۶ خرداد ۱۳۶۴	
 	نام عملیات: صبر ۳	
 	منطقه عملیات: مریوان شیر	
 	یگان های شرکت کننده: ارتش	
 	نتیجه عملیات:	